

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۴۷

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۱۵ مه ۲۰۲۱

حقوق ما

بیماری‌های مانع از استخدام قضات



در این شماره می‌خوانید:

به جای جستجوی زگیل تناسلی، معلومات و عزت نفس را در قضات جستجو کنید

فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات: قضاوت چه ربطی به نازایی یا ناتوانی جنسی

جایگاه قاضی در استانداردهای بین‌المللی

اهداف و پیامدهای آیین‌نامه تازه قوه قضائیه چیست؟

فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات: «یک دیدگاه فاشیستی»

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، نقی محمودی، رضا حاجی‌حسینی، جواد عباسی، بهنام دارایی‌زاده

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

به جای جستجوی زگیل تناسلی، معلومات و عزت نفس را در قضاوت جستجو کنید



نقی محمودی

در شغل خود نیز عدالت را فی مابین اصحاب دعوی رعایت خواهد کرد و الا فلا. همچنین مناعت طبع یکی دیگر از شرایط اختصاصی شغل قضاوت است. شخص اول باید عزت و شرافت نفس داشته باشد تا در مورد دیگران هم آن را رعایت کند و موجب تخدیش عزت نفس دیگران نشود. پاکدستی و عدم حرص به مال اندوزی، شرط دیگر اختصاصی تصدی شغل قضاوت است. رشوه یکی از آفات قضاوت است. قاضی باید از میان افرادی انتخاب شود که در برابر وسوسه های مالی قدرت مقاومت داشته باشد.

شرایط اختصاصی قضاوت نه تنها در زمان تقاضای تصدی شغل قضاوت، بلکه باید همواره در طول اشتغال قضاوت به شغل قضاوت، مورد مذاقه و راستی آزمایی قرار گرفته و در هر مرحله که فقدان این شرایط احرار شود به اشتغال قاضی مذکور خاتمه داده شود.

متأسفانه قبل از بهمن ۵۷ و خاصه بعد از بهمن ۵۷ شرایطی برای تصدی شغل قضاوت در نظر گرفته شده است که هیچ کدام تطابقی با شرایط معقول و دموکراتیک انتخاب قاضی ندارد. از قبیل اعتقاد به دین اسلام، طهارت مولد، جنسیت ذکور، دیانت، علاقه مندی به سنت های ملی و اجتهاد و همچنین شرایطی که هدف اصلی از نگارش این مقاله است موانعی که اخیراً برای استخدام قضاوت در جمهوری اسلامی تعیین شده است. لیست بلند بالائی از بیماری ها، نقص های

لفظ قضاوت از قضا اخذ شده؛ هر چند در زبان عربی در این معنی استفاده نشده است. در زبان فارسی، لفظ قضاوت را به حکم کردن و داوری کردن معنی کرده اند. قضاوت یکی از مشاغلی است که مستقیماً در برخورد با جان، مال و حیثیت معنوی شهروندان است. به همین سبب، قضاوت تمایز خاصی نسبت به سایر مشاغل دارد و ایجاب می کند که وسواس و دقت زیادی در انتخاب و استخدام قضاوت اعمال شود.

برای تصدی شغل قضاوت هم شرایط عمومی و هم شرایط اختصاصی ضرورت دارند. شرایط عمومی مثل عقل، بلوغ، داشتن تحصیلات حقوقی (در برخی از کشورها فوق لیسانس به بالا)، شرکت و موفقیت در آزمون ورودی قضاوت و پایان دوره کارآموزی، عدم سابقه سوء کیفری، قدرت شنوایی و بینائی در حد متعارف و قابلیت نگارش و تکلم، در برخی از کشورها سابقه ای وکالت دادگستری و از این قبیل.

اما شرایط حائز اهمیت دیگری هم برای تصدی شغل قضاوت ضرورت دارد که مهمترین آن متصف بودن شخص به صفت عدالت است. اگر شخصی در زندگی شخص و خصوصی خود و در ارتباط با افرادی که با آنها معاشرت دارد عادل باشد

جسمی، عادات رفتاری و شخصی از قبیل: کراهت منظر،

چاقی و لاغری مفرط، کوتاه قدی، بوی بد دهان، نوشیدن مشروبات الکلی، آستیگماتیسم چشم، سفلیس، زگیل در آلت تناسلی و...

شرایط استخدام قضاوت قبل و بعد از بهمن ۵۷:

الف- قبل از بهمن ۵۷:

اولین قانون موضوعه در خصوص استخدام قضاوت در ایران در سال ۱۳۰۶ در پنجاه ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است. با توجه به این که در زمان تصویب این قانون و چندین سال بعد محاکم شرع فعالیت می کردند یکی از شرایط تصدی حکام محاکم شرع و فقهای صلح، اجتهاد در نظر گرفته شده بود و اجتهاد متقاضیان را باید دو نفر از مراجع تقلید کتباً تصدیق و صلاحیت حکام شرع و همچنین فقیه صلح اهل سنت و جماعت را باید دو نفر از مفتیان مسلم اهل سنت و جماعت کتباً تصدیق نموده باشند. همچنین طبق این قانون تشخیص معلومات کسانی که از این به بعد وارد یکی از خدمت های مندرجه در این قانون می شدند برگزار می شد.

تشخیص معلومات کسانی که از این به بعد وارد یکی از خدمت های مندرجه در فوق می شوند به امتحان کتبی و شفاهی به عمل خواهد آمد. تصدیق نامه و اجازه نامه از مقامات صلاحیت دار و دیپلم از مدارس داخله یا خارجه نسبت به آن چه در تصدیق نامه و اجازه نامه ذکر شده معتبر خواهد بود و فقط نسبت به سایر مواد امتحان باید داده شود.

حکام محاکم شرع - فقهای صلح - و حکام محاضری که طرف رجوع محاکم عدلیه هستند باید به مقام اجتهاد رسیده باشند و اجتهاد آنها را باید دو نفر از مراجع تقلید کتباً تصدیق کرده باشند صلاحیت حاکم شرع و همچنین فقیه صلح اهل سنت و جماعت را باید دو نفر از مفتیان مسلم اهل سنت و جماعت کتباً تصدیق نموده باشند. اشخاص ذیل نمی توانند به خدمات مذکوره در فوق پذیرفته شوند:

کسانی که به واسطه ارتکاب جنحه و جنایت محکوم شده یا به اتهام جنحه و جنایت در تحت تعقیب هستند.

کسانی که معروف به فساد عقیده یا فساد اخلاق بوده و متجاهر به فسق هستند کسانی که معتاد به استعمال افیون هستند.

توضیح - مشخص نیست که مقصود از "فساد عقیده" از نظر قانونگذار در این ماده، دقیقاً چه ماهیتی داشته و چه موارد و مصادیقی را شامل می شود. آیا مقصود، فساد در عقیده ای سیاسی است یا عقیده ای دینی و عقیدتی؟ آیا اعتقاد به دینی غیر از اسلام یا کلا عدم اعتقاد به ادیان، مورد نظر است یا غیر آن؟ همچنین طریقه ای اثبات فساد عقیده نیز مشخص نشده است. آیا فساد عقیده ای متقاضی قضاوت یا قاضی

ماده اول - حکام محاکم عدلیه - صاحب منصبان پارک - مفتشین قضایی مباشرین ثبت اسناد و املاک باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱- تابعیت ایران.

۲- سن لااقل بیست و پنج سال شمسی.

شاغل از طریق عضویت او در یک سازمان و حزب سیاسی مخالف مطمح نظر است و یا از طریق انتشار مقاله یا نطق یا صرفاً اعتقاد به یک نحله‌ی فکری و عقیدتی مثل آنارشیسم، نیهیلیسم، ماتریالیسم و از این قبیل؟

ماده پنجم - اعمال نظریات سیاسی در امور قضایی و تبلیغات بر ضد مذهب رسمی مملکت یا بر علیه حکومت ملی به کلی ممنوع و موجب انفصال خواهد بود.

دومین قانون در این خصوص قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۹/۲/۱۳۴۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی است. مواد مرتبط با موضوع نوشتار به شرح آئین‌نامه‌ی ذیل در قانون مذکور است:

آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات

ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۴۷/۱۲/۲۷) - از تاریخ تصویب این قانون شرایط ورود به خدمت قضائی به قرار زیر است:

۱- تابعیت اصلی ایران.

۲- داشتن دانشنامه لیسانس در رشته قضائی از دانشکده‌های حقوق داخلی و یا لیسانس حقوق از دانشکده‌های حقوق خارجه و یا درجات بالاتر از آن‌ها.

۳- داشتن مذهب اسلام و معروفیت بحسن اخلاق و دیانت و امانت علاقمندی به سنت‌های ملی.

توضیح- اعتقاد به مذهب اسلام مبهم است زیرا اسلام خود دینی است که مذاهب مختلف دارد و خودش مذهب محسوب نمی‌شود. علی‌رغم این که دین اکثر شهروندان در ایران، اسلام بوده ولی اقلیت‌های دینی غیر از اسلام نیز در ایران آن موقع زندگی می‌کردند و در حال حاضر زندگی می‌کنند و همچنین افرادی که معتقد به هیچ دینی نبودند و پس از استقرار جمهوری اسلامی، آمارشان رو به تزاید گذاشته و محروم کردن این دسته از انسان‌ها، فاقد وجهات عقلی و دموکراتیک است.

دیانت به عنوان شرط دیگری در اینجا مطرح شده و معلوم نیست منظور قانونگذار بعد از ذکر شرط اعتقاد به اسلام، از دیانت چیست؟ همچنین ارتباط شرط "علاقه‌مندی به سنت‌های ملی" با اشتغال به شغل قضاوت، حداقل برای اینجانب مجهول است. حتماً ضرورت دارد کسی که قضاوت می‌کند، به سنت‌های ملی هم علاقه‌مند باشد؟



۴- اتمام دوره کارآموزی.

اشخاص زیر به مشاغل قضائی پذیرفته نخواهند شد:

۱- کسانی که به واسطه ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم شده و یا به اتهامات مذکور کیفرخواست علیه آنها صادر شده باشد مادام که برائت حاصل نکرده‌اند.

۲- کسانی که معروف به فساد عقیده یا اخلاق بوده و متجاهر به فسق هستند.

توضیح- فساد عقیده که مانع از اشتغال به شغل قضاوت ذکر شده است مبهم بوده و هیچ‌گونه توضیحی در این باره داده نشده است. چنین ابهامی می‌تواند موجبات سوء استفاده و محرومیت افراد را از اشتغال به شغل قضاوت، فراهم آورد.

ب- بعد از بهمن ۵۷:

در سال ۶۱ ماده واحده‌ی قانونی با یک تبصره، تحت عنوان "قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری" در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که تا سال ۷۴ اصلاحاتی

۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران.

توضیح- در اینجا، علاوه بر تعهد عملی به موازین اسلامی "شرط وفاداری به نظام جمهوری اسلامی" هم اضافه شده است. با اعمال چنین شرطی، عملاً کسانی که نه تنها وفاداری بلکه علاقه و اعتقادی به جمهوری اسلامی ندارند، از شغل قضاوت محروم هستند و این امر در تضاد با حق آزادی انتخاب شغل است که حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بدان اشاره شده است. اما تمام کلیات مثبت در قانون اساسی جمهوری اساسی، به سان مبحث اشتغال با قید تبصره و استثناء نقض می‌شود.

۲- طهارت مولد.

توضیح- شرط طهارت مولد یا تولد ناشی از عقد شرعی، یکی دیگر از شرایط غیر منطقی و غیر عقلانی در استخدام قضات است.

انسان قادر به ایفاء هیچ نقش در چگونگی تولد خود، نیست. بنابراین چگونه می‌توان انسانی را به خاطر این که والدینش بدون "انکحت و زوجت" یک آخوند، رابطه‌ی جنسی داشته‌اند و او ناشی از یک عشق غیر شرعی است، از حقوق شغلی و اجتماعی اش محروم کرد؟

۳- تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی.

۴- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر.

۵- دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته منقول یا لیسانس دانشکده علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه عالی قضایی قم هستند یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه مدرسین دیده باشند، مادامی که به اندازه کافی مجتهد جامع‌الشرایط در اختیار شورای عالی نباشد.

توضیح- همان‌گونه که قبلاً اشاره شده در اولین قانون مصوب در قبل از بهمن ۵۷ در ایران در خصوص استخدام قضات برای محاکم شرع، اجتهاد به عنوان شرط لازم در نظر گرفته شده بود ولی بعد از بهمن ۵۷، برای تصدی تمام پست‌های

نسبت به آن صورت گرفته است. موارد مرتبط به بحث را با توضیحات لازم، در ذیل می‌آورم:

قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری

مصوب ۱۴/۲/۱۳۶۱

با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۲۹/۰۱/۱۳۷۴

ماده واحده - قضات از میان مردان واجد شرایط زیرانتخاب می‌شوند:

توضیح - برای اولین بار در ایران و پس از بهمن ۵۷، داشتن جنسیت ذکور، یکی از شرایط اصلی تصدی شغل قضاوت تعیین شد. به این ترتیب نیمی از جمعیت غیر ذکور از تصدی شغل قضا محروم شدند. دادگستری که خود بایستی نسبت به اجرای عدالت پیشگام باشد، مرجع بی‌عدالتی شد. البته در جریان اصلاح این قانون در سال ۷۴، صرفاً برای پست‌های مشاور (نه قاضی صادرکننده حکم) از میان خانم‌ها نیز امکان استخدام فراهم شد.

در مواردی بیش از حد مضحک و غیر عقلانی و غیر عقلانی است که در مقدمه به ذکر مواردی از آن‌ها می‌پردازیم: از بیماری‌ها، نقص‌های جسمی، عادات رفتاری و شخصی از قبیل: کراهت منظر، چاقی و لاغر مفرط، کوتاه قدی، بوی بد دهان، نوشیدن مشروبات الکلی، آستیگماتیسم چشم، سفلیس، زگیل در آلت تناسلی و...

نتیجه‌گیری

با وجود این که اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه را "قوه‌ای مستقل و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت" معرفی و آن را موظف به "احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع" می‌داند اما چنین مهمی به ندرت در طول حیات ۴۲ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، جامه‌ی عمل پوشیده است. چرا که شرایط استخدام قضات به گونه‌ای است که استقلال را از کف اکثر قضات دادگستری ربوده و آنها را به موجوداتی کرنشگر، مطیع، بادمجان دور قاب چین و ریاکار تبدیل کرده است؛ قضاتی که سعی می‌کنند با حفظ ظاهری اسلامی، خود را مقید و متعهد به اسلام و متعهد وفادار به جمهوری اسلامی نشان دهند. قضاتی که اکثرشان در ساعت ۱۳ ظهر و قبل از اتمام وقت اداری، با دو جفت جوراب آویزان از جیب‌های شلوارشان با دمپایی پلاستیکی، برای وضو گرفتن در دستشویی‌های دادگستری از همدیگر سبقت می‌گیرند. در چنین وضعیت اسفباری، اعلام لیست موانع مذکور منابع انسانی قوه قضائیه، نمک پاشی به زخمی عمیق است. دادگستری جمهوری اسلامی، که به شدت غرق در فساد مالی و اخلاقی است به جای ریشه‌کنی فساد در این سیستم عریض و طویل و استخدام قضات دارای معلومات و بینش حقوقی و سالم و پاک‌دست، بر امور بی‌مورد و غیر مهم پای می‌فشارد.

تازمانی که دادگستری از سرطان فساد، رشوه، باند بازی، اعمال نفوذ، اعمال زور، صدور احکام سفارشی از سوی مقامات مافوق یا دستگاه‌های امنیتی و اموری از این دست خلاص نشود هیچ روزنه‌ی امید به اصلاح سایر دوایر دولتی متصور نیست. با شفافیت و اجرای عدالت در دادگستری می‌توان به عدالت در کل جامعه دست یافت. دادگستری جمهوری اسلامی، به جای جستجوی زگیل تناسلی، معلومات و عزت نفس را در قضات جستجو کند!



قضائی هستند، استخدام نماید. (اصلاحی مصوب ۱۳۷۴)

بیماری‌های مانع از استخدام قضات

اخیرا از سوی معاونت منابع انسانی قوه قضائیه، فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات اعلام شد. معاونت منابع انسانی قوه قضائیه اعلام کرد:

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند، کلیه مبتلایان به عدم کفایت رشد و نمو جسمانی و همچنین بیماری‌هایی که موجب ناتوانی در انجام وظایف محوله در امر قضاوت است از قبیل مواردی که در ۱۶ دسته به شرح ذیل آمده، از جمله موارد منع استخدام قضات می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که بیماری‌های عنوان شده در این ۱۶ دسته با امکان ادا وظایف داوطلبان در امر قضاوت منافات داشته و در آن دسته از بیماری‌ها که زیر آن خط کشیده شده، تصمیم‌گیری در خصوص چنین مغایرتی در فرد مبتلا، با کمیسیون‌گزینه قضات می‌باشد.

لیست بلند بالائی که معاونت منابع انسانی قوه قضائیه تهیه و برخی از آنها را مانع استخدام قضات ذکر کرده است

قضائی شرط اجتهاد تعیین شد که عملاً برای فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حقوق از طرفی شرط لایطاق و از طرف دیگر به رسمیت شناخته نشده از سوی مسئولین جمهوری اسلامی بود. فقط به کسانی که از حوزه‌های علمیه وارد دادگستری می‌شدند چنین عنوان ممتازی با توجه به نظام ارزشی جمهوری اسلامی اعطاء می‌شود. بنابراین برای فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های حقوق، با صدور "اجازه‌ی قضا" از شورای عالی قضایی، مسئله رافع و رجوع کرده و می‌کنند. از سوی دیگر عده‌ی زیادی از طلاب حوزه‌های علمیه را بدون داشتن مدرک تحصیلی حقوقی و حتی بدون آزمون، به استخدام دادگستری درآوردند. عده‌ای هم مثل سید اسدالله لاجوردی، ابوالقاسم صلواتی و سید ابراهیم رئیسی در تهران و قاسم روستائی، زین العابدین تقوی و حسن مهاجر میلانی در تبریز، بدون مدرک دانشگاهی و یا حتی حوزوی و صرفاً به لحاظ اخلاص و سرسپردگی کامل به جمهوری اسلامی، مجوز قضاوت گرفتند.

تبصره ۱- شرایطی که در این قانون برای قاضی ذکر شده در مورد قضات شاغل نیز باید رعایت شود و رسیدگی به این جهت بر عهده شورای عالی قضایی است. شورای عالی قضایی می‌تواند قضاتی را که بر اساس این رسیدگی واجد این شرایط نباشند، چنانچه صلاحیت حقوقدان مشاور طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی در دیوان عدالت را داشته باشند، برای مشاورت انتخاب نماید و نسبت به بقیه اگر پانزده سال به بالا سابقه خدمت داشته باشند با سنوات خدمت بازنشسته کند و در مورد سایرین در صورتی که واجد وثاقت و حسن سابقه باشند به کار اداری بگمارد و دیگران را به ازاء هرسال خدمت با پرداخت یک ماه حقوق و مزایا بازخرید کند قضاتی که مایل به خدمت به کار اداری نباشند، بازخرید می‌شوند.

تبصره ۲- شورای عالی قضائی میتواند برای قضات دادرهای عمومی و انقلاب علاوه بر افراد مذکور در این قانون از بین طلاب حوزه‌های علمیه که معلومات عمومی در حدود دیپلم دارند و دروس سطح حوزه را طی نموده باشند، با طی دوره کارآموزی که شورایی عالی قضائی تعیین می‌نماید، استخدام کند. تشخیص صلاحیت علمی این قبیل افراد با شورایی عالی قضائی یا هیئت منتخب شورای مذکور خواهد بود. (الحاقی مصوب ۱۲/۰۷/۱۳۶۱)

تبصره ۳- شورایی عالی قضائی موظف است شرایط مقرر در این قانون را در مورد کلیه قضات دادرهای انقلاب نیز به مورد اجرا بگذارد. (الحاقی مصوب ۱۲/۰۷/۱۳۶۱)

تبصره ۴- رئیس قوه قضائیه می‌تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۴/۲/۱۳۶۱ می‌باشند با پایه قضائی جهت تصدی پستهای مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست

تبصره ۵- این تبصره محملی برای برکناری قضاتی قرار گرفت که از قبل از بهمن ۵۷ به شغل قضاوت مشغول بودند. عده‌ی زیادی از این قضات، در خصوص وفاداری یا عدم وفاداری به جمهوری اسلامی مورد بازجویی و تفتیش عقیده قرار گرفته و به لحاظ عدم احراز وفاداری و تعهد به جمهوری اسلامی، یا ظالمانه از کار برکنار یا از شغل قضاوت برکنار و مجبور به کار در امور دفتری شدند. با این حال، لازم به ذکر است که به لحاظ وجود قضات باسواد و درستکار، دادگستری بعد از بهمن ۵۷، نسبت به سایر دوایر دولتی، کمترین قلع و قمع را تجربه کرد.

فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات:

قضاوت چه ربطی به نازایی یا ناتوانی

جنسی دارد؟



رضا حاجی حسینی

از بیماری‌ها که زیر آن خط کشیده شده، تصمیم‌گیری در خصوص چنین مغایرتی در فرد مبتلا، با کمیسیون گزینش قضات می‌باشد.»

انتشار این لیست که برخی از آن با عنوان «فهرست عجیب» یاد کرده‌اند واکنش‌های گسترده‌ای را هم به دنبال داشته و کاربران فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی با زبان طنز یا به شکلی جدی به انتقاد از آن پرداخته‌اند.

در یک نمونه کاربری در توییتر در واکنش به این فهرست نوشته است: «#قوه قضاییه شروطی گذاشته برای استخدام قضات. بخشی هم فهرست مشکلات و بیماری‌هایی است که نباید داشته باشند. یکی کوچکی بیضه است و دیگری نیز در رفتگی زیاد شانه! به این می‌گویند اصلاحات ساختاری در قوه قضاییه!!!!!!»

این گزارش اما تلاش می‌کند تا با طرح این موضوع با یک حقوقدان به این پرسش مرکزی پاسخ دهد که آیا محروم کردن یک فرد از قضاوت به خاطر برخی نقایص مادرزادی، نقض حقوق افراد نیست؟

معین خزانلی، حقوقدان و پژوهشگر مقیم سوئد، در پاسخ به این سوال به «حقوق ما» می‌گوید: «به طور کلی از نظر سازمانی این شیوه‌نامه‌ها مانند شیوه‌نامه استخدام معلمان که در سال ۹۶ منتشر شد، یا همین لیست فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات، آیین‌نامه‌هایی داخلی و درون سازمانی

قوه قضاییه جمهوری اسلامی چهارم خرداد ۱۴۰۰ فهرستی ارائه داد از «بیماری‌هایی که ابتلای به آنها مانع از استخدام فرد به عنوان قاضی می‌شود. این فهرست که با عنوان «فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات» از سوی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه اعلام و در رسانه‌های رسمی و حکومتی منتشر شد، مجموعه‌ای از موارد مرتبط با سلامت و بهداشت فردی را در ۱۶ سرفصل گرد آورده است که اگر فرد به یکی از آنها دچار باشد، امکان استخدام او به عنوان قاضی از بین می‌رود. در متن اعلام این فهرست که در رسانه‌های مختلف به یک شکل منتشر شده، آمده است: «کلیه مبتلایان به عدم کفایت رشد و نمو جسمانی و همچنین بیماری‌هایی که موجب ناتوانی در انجام وظایف محوله در امر قضاوت است از قبیل مواردی که در ۱۶ دسته به شرح ذیل آمده، از جمله موارد منع استخدام قضات می‌باشد.»

نکته قابل توجه اما در ادامه آمده است. جایی که گفته شده زیر برخی از این بیماری‌ها خط کشیده شده است اما بررسی این فهرست در رسانه‌های مختلف نشان می‌دهد اثری از خط‌کشی‌ای نیست: «ذکر این نکته ضروری است که بیماری‌های عنوان شده در این ۱۶ دسته با امکان ادای وظایف داوطلبان در امر قضاوت منافات داشته و در آن دسته



هستند که بر اساس آیین‌نامه‌های کلی‌تر در مورد شرایط استخدام تدوین شده‌اند.»
به گفته خزانلی بر همین اساس غیرقانونی دانستن چنین آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی دشوار است اما به این معنا نیست که آنچه در آنها مطرح می‌شود برابر قانون است و مشکلی در آنها وجود ندارد: «به بیان دیگر ذات این بخشنامه‌ها بر اساس قانون است اما محتوای آنها ممکن است حقوق برخی افراد را نقض کنند.»

نقض حق برابری، شرح و توضیح حق دسترسی به فرصت‌های برابر اجتماعی به ویژه برای اشتغال و استقلال اقتصادی فردی در بسیاری از اسناد حقوق بشری بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است؛ بر این مبنا که هیچ عاملی نباید سبب ایجاد تبعیض در دسترسی شهروندان به فرصت‌های برابر و حضور اجتماعی آنان شود.

این حقوقدان با توجه دادن به شیوه‌نامه استخدام معلمان که بر اساس ماده ۱۲ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش تدوین شده و از قضا واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت، آن را دستورالعمل اجرایی برای هیأت‌های کارگزینی و استخدامی می‌خواند و می‌گوید: «در این میان موضوعی که مطرح می‌شود این است که موارد اشاره شده در این لیست‌ها آن قدر گسترده و وسیع هستند که در عمل سبب نقض حق برابری افراد می‌شوند.»

آزادانه کار به رسمیت بشناسند.»

آزادانه کار به رسمیت بشناسند.»

همچنین در بند یک این ماده، اعمال تبعیض بر اساس معلولیت در تمام موارد مربوط به انواع اشتغال شامل شرایط کارگزینی، استخدام، اشتغال و... ممنوع اعلام شده است. کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت هشت اصل راهنما دارد که عبارتند از: احترام به عزت ذاتی، خودمختاری فرد از جمله آزادی انتخاب شخصی و استقلال افراد، عدم تبعیض، مشارکت کامل و مؤثر و مشمول حقوق معلولان در جامعه، احترام به تنوع و پذیرش افراد دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی، برابری فرصت‌ها، دسترس‌پذیری، برابری جنسیتی و احترام به ظرفیت‌های در حال رشد کودکان دارای معلولیت و احترام به حق کودکان دارای معلولیت برای حفظ هویت خود.

از سوی دیگر لزوم بهره‌مندی از فرصت برابر شغلی و استقلال مالی برای افراد دارای معلولیت در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ایران مصوب ۱۳۹۶ هم مورد تأکید قرار گرفته است.

معین خزائلی می‌گوید در ماده ۱۱ این قانون دولت و نهادهای حکومتی موظف شده‌اند دست‌کم ۳۰ درصد از پست‌های سازمانی دفتری خود را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهند: «از سوی دیگر به موجب ماده ۱۵ این قانون علاوه بر ۳۰ درصد اشاره شده، سه درصد از مجوزهای استخدامی تمامی نهادهای دولتی، عمومی و حکومتی باید به افراد دارای معلولیت تخصیص داده شود.»

به گفته خزائلی، این تأکیدات چه در قوانین جهانی و چه در قوانین داخلی کشورها از جمله ایران حتماً به معنی عدم تعیین شرایط مناسب گزینش نیست چون در قوانین جهانی کار نیز صلاحیت افراد برای کار در حرفه‌ای خاص با توجه به توانایی آنها در انجام وظایف کاری مورد تأکید قرار گرفته است اما کارشناسی شده و اصولی بودن این شرایط است که به محل بحث و نقد تبدیل می‌شود: «جمع‌بندی این دو اصل اساسی این نکته را می‌رساند که دولت‌ها موظف هستند در مشاغلی که امکان کار کردن افراد دارای معلولیت (مثلاً کار دفتری برای افرادی که دارای معلولیت در پا هستند یا برنامه‌نویسی کامپیوتری) از اعمال تبعیض به دلیل این معلولیت خودداری کرده و قوانین مناسب برای جلوگیری از اعمال تبعیض توسط بخش خصوصی را نیز تدوین کنند چون به عنوان نمونه ممکن است انجام شغلی به توانایی کامل مثلاً در قوای حرکتی یا



شنوایی یا بینایی نیاز داشته باشد و صرفاً افرادی بتوانند در آن انجام وظیفه کنند که این توانایی را داشته باشند.»

فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات، نه حرفه‌ای و نه عقلانی

• لیست بیماری‌های مانع استخدام قضات مواردی را شامل می‌شود که نه توجیه حرفه‌ای دارند نه توجیه عقلانی. معین خزائلی با تأکید بر این توجیه‌ناپذیری به حقوق ما می‌گوید: «از منظر حرفه‌ای داشتن بسیاری از موارد اشاره شده در این فهرست خللی در انجام وظایف قضاوت وارد نمی‌آورد. مثلاً در این لیست ناتوانی جنسی، عقیم بودن به معنی عدم توانایی تولید اسپرمی که تبدیل به جنین شود در مردان و همچنین نازایی در زنان به عنوان بیماری و یا ناتوانی در نظر گرفته شده و ذکر شده که مانع استخدام فرد در شغل قضاوت است. حال آنکه اساساً ارتباط نازایی یا ناتوانی جنسی با قضاوت مشخص نیست.»

یا در موردی دیگر:

• ناهنجاری‌های استخوانی فک و صورت به هر دلیل با اختلال در عملکرد عضونظیر تکلم یا ایجاد کراهت منظر. فارغ از اینکه معیار تشخیص «کراهت منظر» چیست و طرح چنین موضوعی از اساس تا چه اندازه می‌تواند غیرانسانی باشد، بعید است که چنین مواردی بتوانند خللی در کار قضاوت ایجاد کنند.

معین خزائلی با تأکید بر همین نکته به مورد دیگری اشاره می‌کند و می‌گوید: «مثلاً فقدان کامل موی سر تأثیری در فعالیت افراد در مقام قضاوت ندارد و مشخص نیست معاونت انسانی قوه قضاییه بر چه اساس این لیست را تهیه کرده.»

او در ادامه می‌گوید: «البته این روش لیست‌دهی برای بیماری‌های مانع استخدام مسبوق به سابقه است و آموزش و پرورش نیز در سال ۹۶ چنین لیستی منتشر کرد و پس از چند هفته به دلیل اعتراضات شدید اعلام کرد آن را تغییر داده است. در آن لیست نیز ناتوانی جنسی، بیماری‌های عفونی جنسی که صرفاً از راه ارتباط جنسی قابل انتقال است مانند سوزاک، سیگاری بودن یا مصرف قلیان و... به عنوان بیماری‌های ممنوعه معلمان اعلام شد. ضمن اینکه آن لیست نیز دارای تبعیضات شدید جنسیتی بود. مثلاً ناباروری در زنان یا جراحی رحم را به عنوان مانع تعیین کرده بود. نکته مهم دیگر اینکه داشتن لهجه غلیظ را مانعی برای استخدام فرد در مقام معلم قرار داده بود در حالی که با توجه به وجود گویش و لهجه‌های فراوان در ایران، این بدان معنی است که صرفاً افرادی که فارسی را بدون لهجه حرف می‌زنند می‌توانند در ایران معلم شوند.»

گرچه تعیین معیارها و ملاک‌های کلی گزینش فارغ از توانمندی‌های حرفه‌ای برای برخی مشاغل همچون نیروهای نظامی و انتظامی، آتش‌نشانی و بعضی موارد دیگر ضروری به نظر می‌رسد اما اعمال محدودیت‌های تبعیض‌آمیز که با بی‌توجهی به آموزه‌ها و اصول حقوق بشری به ویژه حق برابری افراد در داشتن فرصت‌های اجتماعی و اصل عدم تبعیض صورت می‌گیرد، همچنان در ایران ادامه دارد.

بر این اساس «فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات» موجب بی‌عدالتی و تضییع حقوق افرادی است که می‌خواهند خود برقرار کننده عدالت باشند.

این حقوقدان در ادامه با اشاره به اینکه برخی از موارد این فهرست مصداق کامل تبعیض جنسیتی هستند می‌گوید: «مثلاً در بند ۱۴ دو جنسی بودن افراد به عنوان مانعی برای استخدام در مقام قاضی عنوان شده که یک تبعیض آشکار است. یا اینکه چرا داشتن بیماری ایدز که امروزه تمامی داروهای آن وجود دارد و افراد مبتلا به آن بدون هیچ‌گونه مشکلی در جامعه فعالیت می‌کنند باید به عنوان مانع برای استخدام در مقام قضاوت شناخته شود؟ آیا شغل قضاوت نیازمند فعالیت‌هایی است که احتمال سرایت بیماری ایدز در آن می‌رود؟»

در این فهرست اما مواردی هم وجود دارد که به ویژگی‌های ظاهری فرد اشاره دارند و مربوط می‌شوند، از جمله:

- کراهت منظر ناشی از عوارض مادرزادی یا عفونی در بینی، کام، لب و حلق
- کراهت منظر ناشی از اختلال و یا تغییر شکل شدید ظاهری غیر قابل ترمیم لاله گوش

جایگاه قاضی در استانداردهای

بین‌المللی



نیره انصاری

بشردوستانه و حقوق بشر تصریح شده است.

از این پیش، در ماده (۸) ۳۶ مقرر می‌دارد: «دول عضو برای گزینش قضات به این ضرورت توجه خواهند داشت که در ترکیب دیوان نمایندگی نظام‌های اصلی حقوقی در جهان، توزیع جغرافیایی عادلانه، نسبت عادلانه بین «قضات زن و قضات مرد» و نیز ضرورت حضور قضات متخصص در برخی مسائل به‌ویژه مسائل مربوط به تجاوزات جنسی علیه زنان و کودکان رعایت گردد.» تاکید بر موازنه جنسی بین قضات، حاکی از مقایسه نگران‌کننده دیوان کیفری بین‌المللی با دیوان بین‌المللی دادگستری است.

با توجه به آنچه در بالا آمد، بررسی و تحلیل استانداردهای بین‌المللی جایگاه قضات، ریشه در تاریخ طرح شکل‌گیری دیوان بین‌المللی کیفری دارد. پس از فروپاشی بلوک شرق (اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی)، برخی تصور می‌کردند که با پایان یافتن جنگ سرد، جهان در صلح و امنیت خواهد زیست.

اما در پی جنایات واقع شده در یوگسلاوی سابق و رواندا و اقدام بی‌سابقه سازمان ملل متحد در تشکیل یک دیوان کیفری برای رسیدگی به نقض گسترده حقوق بشر در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا، در آن سال‌ها بسیاری از کشورها

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بخش قضات دیوان تصریح شده است: «قضات باید از میان افرادی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده و به بی‌طرفی و کمال شناخته شده باشند، انتخاب شوند.» این عبارت در بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نظیر اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری [تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل] نیز مندرج است.

آنان باید حائز شرایط لازم برای تصدی عالی‌ترین مقامات قضایی در کشور خود باشند. همچنین باید افزون بر دانش عالی در علم حقوق، تسلط عملی به یکی از زبان‌های کاری دیوان یعنی انگلیسی یا فرانسه داشته باشند. اساسنامه اجازه می‌دهد تا برای بررسی صلاحیت داوطلبان، یک کمیته مشورتی تشکیل شود.

اساسنامه برای داوطلبان، میزانی از تخصص را ضروری شمرده است و بر همین اساس آنان را به دو گروه تقسیم می‌کند: آن‌هایی که متخصص حقوق کیفری هستند و نیز آنانی که در زمینه حقوق بین‌الملل متخصص‌اند.

در خصوص حقوق بین‌الملل به دو رشته حقوق

و سازمان‌های بین‌المللی مصمم شدند تا یک مرجع مستقل کیفری بین‌المللی در سطح جهان برای مبارزه با جرائم بین‌المللی شکل گیرد.

در سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت تا با اقتباس از طرح اساسنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان مبنای کار تاسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی پیگیری شود.

این مجمع عمومی کمیته‌ای ویژه را ترتیب داد که در سال ۱۹۹۵ دوبار تشکیل جلسه داد.

در پی قطعنامه‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ مجمع عمومی کنفرانس دیپلماتیک برگزار کرد. نیز نشست در ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم پایتخت ایتالیا و در مرکز سازمان کشاورزی و خواربار جهانی تشکیل شد.

حکومت اسلامی در ایران نیز همچون تعدادی از دیگر کشور به اساسنامه رم در سال ۱۳۸۱ پیوست و در دسامبر ۲۰۰۶ این اساسنامه را امضاء نمود اما هنوز تصویب آن را در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار نداده است.

در اساسنامه رم همه مقررات لازم برای تاسیس یک سازمان مستقل بین‌المللی قضایی پیش‌بینی شده است. زیرا این اساسنامه بیش از هر چیز یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است. به این معنا که شماری از دولت‌ها با یکدیگر توافق کرده‌اند که دادگاهی بین‌المللی و با تطبیق با صلاحیت‌ها و وظایف یاد شده تشکیل گردد و مرتکبان جرائمی را که در اساسنامه آمده است مورد مجازات قرار دهد.

در بخش وظیفه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، فصلی اختصاص به گزینش و انتخابات قضات دیوان دارد که این بخش بیانگر استانداردهای بین‌المللی جایگاه قضات است.

البته به هنگام تدوین اساسنامه رم به منظور تعیین شرایط قضات دو دیدگاه در مقابل یکدیگر قرار داشتند:

نظریه نخست بیشتر به تجربه قاضی در رسیدگی به امور کیفری تاکید می‌کرد.

نظریه دوم به صلاحیت علمی و تخصصی قضات در حقوق بین‌الملل نظر داشت.

اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری با مطمح نظر داشتن این دو دیدگاه تصریح نموده است که قضات دیوان مورد نظر باید واجد شرایطی باشند که برای انجام مشاغل عالی قضایی در کشور خود ضروری است و از متبحران در علم حقوق باشند که تخصص آنان در حقوق بین‌الملل شهرت بسزایی دارد. بدین پایه تصدی منصب قضایی در دیوان بین‌المللی دادگستری حداقل به یکی از دو شرط نیازمند است:

وجود شرایط لازم برای انجام مشاغل عالی قضایی در کشور داوطلب

تخصص و تبع در حقوق بین‌الملل

فرا تر از این موارد، شرایط تصدی منصب قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی به استناد ماده (۳۶) اساسنامه چنین است: «قضات از میان افرادی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده و به بی‌طرفی و کمال شناخته شود و حائز شرایط لازم برای تصدی عالی‌ترین مناصب قضایی در کشور خود باشند، برگزیده خواهند شد. همچنین هر یک از نامزدان شرکت در انتخاب دیوان باید دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه‌های حقوق، دادرسی کیفری و تجربه لازم در رسیدگی به امور کیفری داشته باشند؛ خواه به عنوان قاضی، دادستان، وکیل و یا هر سمت مشابه قضایی دیگر در رسیدگی به امور کیفری؛ و نیز آنان باید دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه‌های مربوط به حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر و افزون بر آن تجربه چشمگیر در یک سمت قضایی که متضمن منافی برای کار قضایی دیوان باشد، داشته باشند. در نهایت برای احراز هر سمتی در دیوان تسلط عالی بر حداقل یکی از زبان‌های کاری دیوان از ضروریات است.»

زبان‌های کاری دیوان بر پایه ماده (۵۰) اساسنامه انگلیسی و فرانسه است. با در نظر گرفتن این شرایط قضات از میان



دو فهرست موسوم به (الف) و (ب) برگزیده خواهند شد. فهرست (الف)؛ عبارت است از قضایی با شایستگی لازم در حقوق جزا و آئین دادرسی و تجربه مناسب و مورد نیاز، خواه به عنوان قاضی، دادستان، وکیل و یا هر سمت مشابه قضایی دیگر در رسیدگی به امور کیفری؛ فهرست (ب)؛ نیز قضاتی هستند با شایستگی لازم در قلمرو حقوق بین الملل مانند حقوق بشردوستانه و حقوق بشر و همچنین با تجربه چشمگیر در یک سمت قضایی که متضمن منافی برای کار قضایی دیوان باشد. در زمان گزینش قضات در مجمع کشورهای عضو، سیستم‌های حقوقی اصلی جهان باید نماینده داشته باشند. نمایندگی جغرافیایی عادلانه از گروه کشورهای آفریقایی، اروپای شرقی، اروپای غربی و دیگر کشورهای و نیز یک گزینش منصفانه از قضات «زن و مرد» مورد توجه قرار می‌گیرد. البته همه قضات باید دارای تابعیت کشورهای عضو باشند. و بر مبنای ماده (۳۶) اساسنامه پیش از یک تن از اتباع یک دولت نمی‌تواند عضو دیوان باشد.

داشته باشند و به طریق اولی نمی‌توانند در این زمینه سرمایه‌گذاری نمایند. هنگامی که برای تدوین و یا بازنگری و اصلاح قوانین جزایی و آئین دادرسی کیفری همواره از کتاب‌های تحریرالوسیله جلد (۱ و ۲) روح الله خمینی بعنوان مرجع استفاده می‌گردد فاقد آن صلاحیت لازم علمی/تخصصی و تجربه در گزینش و انتخاب قضات است! البته این ویژگی‌های علمی/تخصصی و صلاحیت‌های اخلاقی برای گزینش قضات به دیوان کیفری بین‌المللی خلاصه نمی‌گردد، بل، در قانون اساسی اتحادیه اروپا نیز تاکید ویژه‌ای در گزینش قضات صورت گرفته است.

پایان سخن

نظر به اینکه نتیجه دادرسی منصفانه در دادرسی کرامت‌مدار ریشه دارد. دستگاه عدالت کیفری باید به حیث منزلت متهمان و بزه‌کاران به عنوان یک انسان به

افزون بر این هر دولت تنها می‌تواند یک تن را برای یک انتخاب معین معرفی نماید که در این صورت ضرورت نمی‌یابد که از اتباع وی باشد، اما لازم است که از اتباع یکی از دولت‌های عضو اساسنامه باشد. داوطلبان با ارائه مدارکی که بطور مشخص نشانگر واجد خصوصیات یاد شده‌اند، به موجب مقررات مربوط به معرفی داوطلبان مناصب عالی قضایی در دولت مورد نظر و یا بر مبنای مقررات مربوط به معرفی داوطلبان مناصب قضایی در دیوان بین‌المللی دادگستری برای شرکت در انتخابات معرفی خواهند شد. بدین سان، جایگاه قضات در دیوان کیفری بین‌المللی که می‌تواند یک الگوی با استانداردهای حقوقی بین‌المللی باشد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

کشورهایی چون ایران با حاکمیت اسلامی که تعهد و ایدئولوژی را مقدم بر تخصص و تسلط بر علم حقوق می‌داند تاکنون نتوانسته‌اند در محاکم بین‌المللی قضایی

تعقیب و محاکمه آنها مبادرت نمایند و اتهام شهروندان باید در قلمرو مراجع قضایی (قضات) صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف، دانای حقوق، با رعایت قانون و به صورت دقیق تحت رسیدگی قرار گیرد. متناسب‌سازی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری با خصیصه‌های جرم [تعریف و تبیین روشن از جرم و نیز تناسب جرم و مجازات] مرتکبان بزه‌کاری و بزه‌دیدگان از جمله اصول حاکم بر آیین دادرسی است تا به این جهت رسیدگی کیفری با دقت و توجه به همه مولفه‌های مربوط به پدیده مجرمانه انجام پذیرد. در وضعیت کنونی نظام حقوقی در ایران به رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه و اندراج آن در قانون اساسی و قوانین آئین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی تعریف صریح، شفاف و روشنی از آن به عمل نیآورده است. حال آنکه در اسناد بین‌المللی دادرسی عادلانه با بیان تعریف و تبیین مشخص، مصادیق آن را در دادرسی

عادلانه «عینیت بخشیده» است. و آنچه در اسناد بین‌المللی همچون اساسنامه رم، کنوانسیون چهارگانه ژنو و دیگر کنوانسیون‌ها مشاهده می‌گردد؛ تهیه و تدوین قوانین مترقی با استانداردهای بین‌المللی حقوقی در سیستم دادرسی کارآمد و به ویژه «جایگاه برجسته قاضی» است. زیرا که اصدا احکام و اجرای قوانین بر عهده قضات است و یدیهی است به فرض پیش‌بینی و تدوین قوانین و مقررات عدم وجود قضات سالم، فاضل و دانای حقوق، و دانشمند، خلایی جدی و غیرقابل جبران در رسیدن به عدالت یعنی هدف مترتب بر دادرسی عادلانه خواهد بود. بدین اساس گزینش قضات متخصص، متعهد و آموزش پیوسته قضات به پدیده‌های حقوقی نوین و استفاده از سازوکارهای کارآمد نظارت بر عملکرد قضایی تحقق دادرسی عادلانه را امکان پذیر خواهد نمود.

یا نتایج پژوهش‌های علمی باید دیده شود، بل که معیاری‌های بین‌المللی مرتبط با «حقوق کار» و «حقوق بشر» هم باید لحاظ شوند.

نادیده گرفتن استانداردهای بین‌المللی حقوق کار، جدا از این که به لحاظ فردی، به نقض جدی حقوق اجتماعی بیماران و افراد توان‌خواه می‌انجامد؛ در کوتاه‌مدت و درازمدت، هزینه‌های متعددی را به جامعه تحمیل می‌کند.

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، بخش عمومی-دولتی، معمولاً سیاست‌ها یا برنامه‌های «حمایتی» به مراتب مناسب‌تری در قبال نیروی کار یا شرایط استخدامی افراد آسیب‌پذیر اعمال می‌کنند. به این معنا که سازمان‌ها یا نهادهای عمومی/دولتی، در مقایسه با بخش خصوصی یا بازار آزاد، به ملاحظات حقوق بشری یا حساسیت‌هایی مربوط به برابری جنسیتی، جایگاه اقلیت‌ها، حقوق کار افراد بیمار یا وضعیت توان‌خواهان جامعه توجه بیشتری دارند.

به رغم اهمیت چنین موضوعی، و با وجود تمامی کوشش‌های گسترده‌ی فعالان حقوق بشری و کنش‌گران حقوق توان‌خواهان و...، دستگاه‌های متعدد دولتی در جمهوری اسلامی، نه تنها خودشان هیچ تلاش معناداری در راستای تامین «حق کار» بیماران و... انجام نداده و نمی‌دهند؛ بل که با نادانی و بی‌تدبیری تمام، با تدوین آیین‌نامه‌هایی بی‌منطق، نظیر آنچه که به تازگی در «معاونت منابع انسانی قوه قضاییه» تهیه شده است، در عمل، زمینه‌ی تضييع بیشتر حقوق اجتماعی بیماران را فراهم کرده‌اند.

پیامد مستقیم چنین رویکردهای ضد حقوق بشری و حساب نشده، این می‌شود که بخش خصوصی جامعه، به تاسی از سیاست‌های دولتی، تامین «حق کار» افراد بیمار و توان‌خواهان را نادیده بگیرد و آن‌ها را بیش از گذشته، آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض‌های متفاوت قرار دهند.

برای هر سازمان یا نهاد دولتی و غیردولتی، تامین نیروی انسانی متخصص و توانا، اهمیت زیادی دارد. واقعیت این است که جامعه برای آموزش تک‌تک افرادی که دانشگاه رفته‌اند و متخصص شده‌اند، هزینه کرده است؛ این حتی ذاتی جامعه است که از این نیروی‌های آموزش‌دیده، در راستای اهداف اقتصادی و توسعه، استفاده کند. در برابر، حاکمیت فعلی، از سال‌های ابتدایی قدرت‌گیری خود، بی‌توجه به نیازهای واقعی جامعه، به دلایلی کاملاً پوچ و ایدئولوژیک، بخش از این نیروی انسانی کشور را کنار گذاشته یا به واسطه‌ی ملاحظات سیاسی-امنیتی خود، این نیروها را سرکوب، حذف یا به حاشیه رانده است. در این چهارچوب، به نظر می‌رسد که تدوین مقرراتی از این دست، هرچند ممکن است در پوششی دیگر دنبال شود، اما در نهایت می‌تواند در راستای حذف نظام‌مند نیروهای مستقل به کار گرفته شود.



بهبانیه وجود برخی از «مشکلات» بهداشتی دیگر، دست به حذف و کنار گذاشتن متقاضیان بزنند.

استانداردها و معیارها

برابر ماده شش کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که دولت ایران نیز آن را امضا کرده است؛ تمامی افراد جامعه «حق کار» دارند و باید بتوانند در شرایطی برابر و بدون تبعیض، در حرفه‌ایی که به آن تمایل و تخصص دارند، مشغول به کار شوند. این اصل، ناظر به تمامی افراد و شهروندان جامعه است؛ به این معنا که همگی افراد، قطع نظر از شرایط سلامتی، جنسیت یا توان بدنی و...؛ از چنین حقی برخوردارند. جدا از منابع و اسناد بین‌المللی، حتی به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی هم «حق کار» و «انتخاب آزادانه مشاغل» پذیرفته شده است. (اصل ۱۶۰ قانون اساسی)

روشن است که در برخی از مشاغل خاص، عمدتاً مشاغل فنی، علاوه بر دانش و تخصص، به شرایط جسمانی و روانی مشخصی نیز نیاز هست. با این حال، قاعده کلی این است که این موارد مشخص و محدود، باید به عنوان «استثنا» در نظر گرفته شوند. به این معنا که برای کنار گذاشتن افراد متقاضی، حتماً لازم است که به دلایل پزشکی، نظر کارشناسان، رویه‌های پذیرفته شده و استانداردهای معتبر بین‌المللی استناد شود. امری که به نظر می‌رسد در تدوین آیین‌نامه‌ی دولتی مرتبط با «حق کار» بیماران لحاظ نمی‌شود؛ برای مثال، باید پرسید برابر کدام پژوهش علمی، «پارگی مینیسک زانو» یا «نارسایی دریچه میترال قلب»، می‌تواند مانع از اشتغال به حرفه قضاوت باشد؟؟

ارجاع به استانداردهای بین‌المللی مهم است. واقعیت این است که در تدوین چنین آیین‌نامه‌هایی، نه تنها استانداردهای اداری

اهداف و پیامدهای آیین‌نامه تازه قوه قضاییه چیست؟



بهنام دارایی‌زاده

اول این قانون، قضات دادگستری صرفاً از میان «مردان» «متعهد» و «وفادار» به نظام جمهوری اسلامی انتخاب خواهند شد. علاوه بر تبعیض‌های آشکار و چندلایه «جنسیتی»، «دینی» و «عقیدتی»؛ مردان متقاضی قضاوت در جمهوری اسلامی، بایستی «طهارت مولد»، «تابعیت ایران»، «درجه اجتهاد» یا «اجاز قضا» خود را نیز ثابت کنند. شرایطی که به خودی خود، امکان اعمال تبعیض‌ها و برداشت‌های خودسرانه، سلیقه‌ایی و البته غیرحقوقی بیشتر را فراهم می‌آورد.

در کنار تمامی شرایطی که بر شمردیم؛ بر اساس بند چهارم این قانون، مردان متقاضی قضات در دادگستری‌های ایران، لازم است «صحت مزاج» و «توانایی انجام کار» و «عدم اعتیاد» خود به مواد مخدر را نیز ثابت کنند. به این اعتبار، باید گفت که توجه ویژه به وضعیت جسمی متقاضیان قضاوت، بدون این که هیچ دلیل یا توجیه مشخص شرعی وجود داشته باشد، از سال‌های نخستین قدرت‌گیری نظام جمهوری اسلامی، در چهارچوب برنامه‌ی کلی حذف نیروهای مستقل، مطرح بوده است.

آیین‌نامه‌ی تازه معاونت «منابع انسانی» قوه قضاییه، یک دسته‌بندی ۱۶گانه از بیماری‌های جسمی و روحی را به عنوان «مانع تصدی شغل قضاوت» معرفی کرده است. به زعم تنظیم‌کنندگان این آیین‌نامه، وجود این اختلال‌ها یا بیماری‌ها، «از جمله مواردی» است که موجب می‌شود متقاضی «توانایی انجام کار» قضاوت نداشته باشد.

این آیین‌نامه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که علاوه بر موارد مشخصی که اشاره شد؛ به عاملان و مسئولان گزینش، این امکان و اجازه را می‌دهد که حتی فراتر از موارد پرشمار فهرست شده، به

اشاره: به تازگی معاونت «منابع انسانی» دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، فهرست بلندی از «بیماری‌ها» یا مشکلات جسمی را منتشر کرده است که مانع از اشتغال در حرفه قضاوت ر دادگستری‌های ایران می‌شود.

در این یادداشت، ضمن پرداختن به لایه‌های مختلف تبعیض و نقض نظام‌مند «حق کار»، به برخی از پیامدهای اصلی پی‌گیری چنین سیاست‌های منسوخ و حساب‌نشده‌ایی اشاره می‌شود.

سیاست حذف

در سال‌های نخست دهه ۱۳۶۰، پس از حذف کامل نیروهای سکولار و تثبیت قدرت سیاسی، حاکمان جمهوری اسلامی در نهایت این فرصت را یافتند که تمامی نهادهای عمومی کشور، از جمله دادگستری، دانشگاه‌ها، شوراهای کارگری، کانون‌های وکلا و... را به تسخیر نیروهای وابسته به خود درآورند.

تسخیر نهادهای عمومی در سال‌های نخستین قدرت‌گیری نظام جمهوری اسلامی، به اشکال مختلف و با شگردهای متفاوتی پی‌گیری شده است. در بسیاری از مواقع، حذف و کنار گذاشتن نیروهای مستقل، از طریق یا به میانجی‌گری وضع قوانین و مقررات جدید صورت گرفت است. قوانینی که تنها در راستای ملاحظات «امنیتی-ایدئولوژیک» یک حاکمیت واپس‌گرا دینی تصویب شده بودند.

در این چهارچوب، در اردی‌بهشت ماه ۱۳۶۱، مجلس اول جمهوری اسلامی، به ریاست هاشمی رفسنجانی، ماده واحده شرایط انتخاب قضات دادگستری را تصویب کرد. بر اساس بند

شرایط» اختصاص دهد.

با در نظر گرفتن موارد یاد شده، به نظر می‌رسد انتشار فهرست «بیماری‌های مانع استخدام قضات» توسط معاونت منابع انسانی قوه قضاییه، حتی با قوانین مصوب فعلی هم در تعارض قرار خواهد گرفت.

حسن نایب هاشم با اشاره به بررسی عملکرد جمهوری اسلامی ایران در «کمیته حقوق افراد معلول» که عهده‌دار نظارت بر میزبانکار امضاء کنندگان کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت است، می‌گوید:

«اولین بار هم که پرونده ایران در این کمیته بررسی شده، از دولت ایران خواسته شده تا ضریب اشتغال برای افراد دارای معلولیت افزایش پیدا کند و محدودیت‌هایی که در استخدام‌های دولتی بر سر راه این شهروندان وجود دارد، برداشته شود.»

به گفته این فعال حقوق بشر، هر چند اعضای کمیته یاد شده از دولت ایران خواسته‌اند تا سال ۲۰۳۰ بر مبنای اهداف توسعه پایدار، شرایط لازم برای بهبود وضعیت شهروندان دارای معلولیت فراهم شود اما ایران تاکنون اقدام ویژه‌ای در این زمینه انجام نداده است. او در ادامه، با انتقاد از شرایط مندرج در فهرست منتشر شده از سوی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه، می‌گوید:

«قاضی در مقام قضاوت باید در شرایطی باشد که به عنوان مثال تحت تاثیر الکل، مواد مخدر، داروهای روان افزا یا روان فرسا نباشد. همچنین کسی که در جایگاه قضاوت قرار می‌گیرد باید از لحاظ خلقی و احساسی ثبات داشته باشد و افسرده نباشد تا این مسایل روی تصمیم‌گیری‌ها و بینش او تاثیر گذار نباشد.»

به گفته نایب هاشم، تنها چیزی که می‌تواند در استخدام قضات مطرح باشد این است که افراد صرفاً به انواعی از بیماری‌های روانی مشخص که منجر به از بین رفتن ثبات در تصمیم‌گیری می‌شود، دچار نباشند.

سخت‌گیری برای استخدام شهروندان بر مبنای ابتلا به بیماری یا با تأکید بر تفاوت‌های ظاهری پیش از این هم در ایران سابقه داشته است.

طبق «شیوه نامه مصاحبه اختصاصی» داوطلبان ورود به دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی که در نیمه اول سال گذشته از طرف مرکز برنامه ریزی نیروی منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش منتشر شده بود، داوطلبان برای ورود به این دانشگاه‌ها نباید به بیماری‌هایی نظیر «نابینایی»، «آکنه و حساسیت پوستی»، «کبیر»، «اختلال در تکلم» و «داشتن جای سوختگی در بدن» دچار باشند.

در این شیوه‌نامه «نداشتن لهجه غلیظ» و «عدم کراهت منظر در صورت و گردن به هر دلیل» هم جزو شرایط ورود به دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی در نظر گرفته شده بود.



به موجب «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت»، کشورهای عضو متعهد شده‌اند تا ممنوعیت تبعیض بر مبنای معلولیت را با توجه به تمامی موارد مرتبط با تمامی اشکال استخدام، از جمله شرایط جذب، استخدام و اشتغال، تداوم اشتغال، پیشبرد حرفه‌ای و شرایط کاری بهداشتی و ایمنی را در حد ممکن اعمال کنند. همچنین «ترغیب فرصت‌های شغلی و پیشرفت‌های حرفه‌ای افراد دارای معلولیت در بازار کار و نیز یاری در یافتن، کسب، حفظ و بازگشت به اشتغال» از جمله تعهداتی است که به امضای دولت‌های عضو رسیده است.

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۱۳۸۵ با اکثریت آراء به تصویب کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسید. جمهوری اسلامی ایران هم از سال ۱۳۸۸ به این کنوانسیون پیوسته است. از سوی دیگر، نمایندگان مجلس ایران در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۳ «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» را به تصویب رسانده‌اند که بر مبنای آن دولت موظف شده «حداقل سه درصد» از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند را به «افراد معلول واجد

فهرست بیماری‌های مانع استخدام قضات؛ «یک دیدگاه فاشیستی»



جواد عباسی توللی

متولی رسیدگی به امور مجروحان جنگی معروف به «بنیاد شهید و امور ایثارگران» به عنوان جانباز ۳۰ درصد، شناسایی شده است. همچنین در حال حاضر این قاضی، هم‌زمان با شغل قضاوت در «انجمن دفاع از حقوق جانبازان شیمیایی استان فارس» هم عضویت دارد.

ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب هم یکی دیگر از قضات ناقض حقوق بشر است که صدمات و جراحات ناشی از جنگ هشت ساله ایران و عراق، مانع از ادامه اشتغال او در قوه قضاییه نشده است.

ادامه کار دو فرد یاد شده در جایگاه قاضی در دادگاه‌های انقلاب در حالی است که در فهرست منتشر شده از سوی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه، بیماری‌های نه چندان حاد نظیر اختلالات مربوط به کلیه یا «پارگی مینیسک زانو» هم جزو موانع استخدام قضات لحاظ شده است.

حسن نایب هاشم اما معتقد است ایران از جمله کشورهایی است که برخلاف تعهدات بین‌المللی خود، در ارائه فرصت‌های شغلی کافی برای شهروندان دارای معلولیت کوتاهی کرده است.

او می‌گوید: «بیشتر موارد لحاظ شده در فهرست ارائه شده از سوی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه، به معلولیت مربوط نمی‌شود بلکه به تفاوت‌هایی مانند شکل ظاهر مربوط می‌شود که انسانها به‌طور طبیعی دارا هستند.»

به گفته این پزشک و مدافع حقوق بشر، تفاوت‌های ظاهری شهروندان نباید مانعی برای اشتغال به کار آنها بوده و فرصت‌های شغلی باید بر مبنای «سطح آموزشی» برای همه افراد در دسترس باشد.

معاونت منابع انسانی قوه قضاییه، به‌تازگی در اطلاعیه‌ای، شرایط جذب اختصاصی داوطلبان تصدی منصب قضاء سال ۱۴۰۰ را اعلام کرده است. این مرجع در اطلاعیه خود فهرستی از «بیماری‌های مانع استخدام قضات» منتشر کرده که براساس آن، ویژگی‌هایی نظیر «چاقی یا لاغری مفرط»، «کراهت منظر»، «لکنت زبان» و «دو جنسی بودن» هم جزو مواردی لحاظ شده که مانع از استخدام افراد در منصب قضاء خواهد شد.

حسن نایب هاشم، پزشک و مدافع حقوق بشر ساکن وین اما برای باور است که وضع چنین شرایطی برای استخدام قضات و مشاغل دیگر، حکایت از رواج «دیدگاه فاشیستی» در میان سران حکومت ایران دارد و با در نظر گرفتن چنین شرایطی، در حال حاضر حتی رئیس فعلی قوه قضاییه و ناصب او یعنی سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی هم واجد شرایط مندرج در فهرست یاد شده نیستند.

از سوی دیگر، معاونت منابع انسانی قوه قضاییه در حالی در فهرست یاد شده «هر گونه نقض عضو» و بیماری حاد را از جمله موانع استخدام قضات معرفی کرده که برخی از سرشناس‌ترین قضات فعلی در دستگاه قضایی هم واجد شرایط یاد شده نیستند.

به عنوان نمونه، محمدرضا محمدی کشکولی، یکی از قضات شناخته شده در زمینه نقض حقوق بشر در ایران است که در سال‌های گذشته در سرکوب برخی از روزنامه‌نگاران و همچنین صدور حکم اعدام برای محمد ثلاث، درویش گنابادی، نقش مستقیم داشته است. این قاضی در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق به دلیل عوارض ناشی از بمب‌های شیمیایی، از طرف نهاد



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net